

نقش قرض الحسنه در کاهش فقر از مناطق محروم

علی حسن زاهدی^۱

دریافت: ۱۴۰۱/۵/۱۱

پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۱۵

چکیده

فقر یکی از پدیده‌های ناگوار و از بنیادی‌ترین مشکلات جوامع انسانی بوده است که در اسلام نیز ریشه بسیاری از نابهنجاری‌ها و انحرافات در جامعه معرفی شده است. مبارزه با فقر، یکی از اهداف مکتب اقتصادی اسلام می‌باشد و در این میان قرض الحسنه یکی از ابزارهای مالی اسلامی است که نقش مهمی در کاهش فقر و تامین مالی نیازمندان داشته است. برای رفع فقر و مبارزه با محرومیت از طریق قرض الحسنه، اولین مرحله شناخت فقر و محرومیت است. که این تحقیق ضمن بررسی معانی فقر و محرومیت و بیان ویژگی‌ها و ابعاد محرومیت، در صدد این فرضیه است که قرض الحسنه یکی از مهم‌ترین راه فقر زدایی در مناطق محروم می‌باشد. این تحقیق نشان داده است که قرض الحسنه دارای آثار اقتصادی زیادی دارد. برای همین منظور چند راهکار برای استفاده از قرض الحسنه و تقویت آن در مناطق محروم ارائه و بررسی شده است، که شامل راهکارهای فرهنگی از قبیل معرفی فرهنگ اصیل قرض الحسنه، بیان پاداشهای چند برابر، بیان عقاب‌های خود داری از اعطای قرض الحسنه، بیان تشویق‌های بازپرداخت، تقویت انگیزه‌های معنوی مردم و آموزش و تبلیغ فرهنگ اصیل قرض الحسنه و راهکارهای عملی مثل ایجاد صندوق‌های قرض الحسنه خانوادگی و ایجاد صندوق‌های قرض الحسنه محلی و تاسیس صندوق‌های قرض الحسنه ویژه مناطق محروم در بانکهای دولتی، می‌باشد.

کلید واژه‌گان: قرض الحسنه، فقر، آثار قرض الحسنه، محرومیت، مناطق محروم

^۱ دانش‌پژوه ارشد اقتصاد جامعه المصطفی العالمیه alizahedi1374@gmail.com

مقدمه

پدیده فقر و محرومیت از معضل ترین و ناگوارترین مسایل فردی و اجتماعی جامعه انسانی می باشد که قدمت به قدمت تاریخ زندگی انسان دارد که در هر برهه ای از زمان به نحوی به آن برخورد شده است. لکن بعد از شروع صنعتی شدن و پایان جنگ جهانی دوم، این پدیده به نحوی افکار جوامع بشری به ویژه کشورهای درحال توسعه را بیشتر به خود جلب نموده است. این کشورها هریک با توجه به سطح توسعه یافتگی خود به حل این معضل بشری پرداخته است و راهبردهای را برای بهبود شرایط اقتصادی اتخاذ نموده اند. فقر در اسلام نیز به عنوان یک پدیده ای ضد ارزش و ناپسند شمرده است و از آن در روایات به بلای بزرگ، موت اکبر و کفر و... تعبیر نموده است و دین اسلام توصیه و تاکیدهای زیادی برای رفع آن و کمک به فقرا و نیازمندان و رسیدگی به مناطق محروم نموده است. اسلام باهمه نا هنجاریها، کج رویها و کاستیها از جمله با فقر مبارزه نموده است و راه حل های زیادی را برای فقرزدایی از مناطق محروم ارائه نموده است. مثل زکات، صدقات، وقف و سایر انفاقات از جمله این راه حل ها استفاده سنت قرض الحسنه می باشد که با ترویج و تقویت آن در مناطق محروم و با ایجاد و تشکیل صندوق های قرض الحسنه عمومی در بانکهای دولتی و تاسیس صندوقهای محلی و خانوادگی برای تامین نیازهای ضروری و... می توان بخشی از محرومیت آن مناطق را درمان کرد و نیازهای ضروری آنها را از این طریق تامین نمود. بدون شک اولین گام برای فقر زدایی و کمک به مناطق محروم شناخت فقر و محرومیت و ویژگی های آن مناطق می باشد. تا فقر و محرومیت شناخته نشود و تا ویژگی های یک منطقه ای محروم و فقیر شناسایی نشود، رفع فقر و کمک به آن مناطق و دست گیری نیازمندان، کار مشکل است. لذا قبل از ورود به روشها و راهکارهای رفع فقر و کمک به مناطق محروم، شناخت فقر و محرومیت و ویژگی های مناطق محروم، ابعاد محرومیت، جلوه های فقر در این مناطق، مورد بحث قرار خواهد گرفت.

مفهوم شناسی

۱- مفهوم فقر

فقر به معنی تهیدستی، تنگدستی و درویشی آمده است (معین، ۱۳۸۳: ۲۵۵۹). در کتاب الصحاح فقر از ماده فقار گرفته است، فقار به معنی مهره‌های پشت است و فقیر به کسی گفته می‌شود که مهره‌های پشتش زیر بار گرفتاری‌های ناشی از فقر و تنگدستی خم شده باشد (جوهری، ۱۴۰۷: ۷۸۲).

در اصطلاح یک تعریف جامع برای فقر که همگان بر آن توافق داشته باشند، وجود ندارد و هرکس از زاویه ای فقر را تعریف نموده است. بعنوان نمونه در بعضی موارد فقط میزان درآمد یا به لحاظ اقتصادی توجه شده است. با این نگاه فقر یعنی عدم برخورداری از قوت لایموت و درآمد که در سطح معاش قرار دارد و برخی نیز فقر را برآورده نشدن نیازهای اساسی به حد کفایت تعریف کردند.

آدام اسمیت معتقد بود ثروتمند یا فقیر بودن هر انسانی با توجه به میزانی که او می‌تواند تلاش کند تا از کالاهای ضروری لذت ببرد و زندگی مفرح و توام با آرامشی داشته باشد، مشخص می‌شود. (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۴: ۳۶).

بانک جهانی فقر را اینگونه تعریف نموده است: فقر گرسنگی و نداشتن سرپناه است. فقر بیماری و ناتوانی در مراجعه به پزشک است. فقر دسترسی نداشتن به مدرسه و نا آشنایی به خواندن است. فقر نداشتن شغل و هراس از آینده و هر روز فقط برای همان روز زنده ماندن است. فقر مرگ و میر کودکان به دلیل دسترسی نداشتن به آب پاکیزه است. فقر بی قدرتی است. فقر نداشتن آزادی است. (زاهدی مازندرانی، صلبنامه رفاه اجتماعی، سال ۴، ش ۱۷).

اما بطور خلاصه؛ فقر به معنی عدم دسترسی افراد جامعه به حداقل لازم ضروریات زندگی اشاره دارد و چیزهایی که با فقدان آن‌ها حیات و بقای انسانی با خطر نیستی روبرو شود.

۲- مفهوم قرض

قرض در لغت به معنی نوعی قطع کردن و بریدن آمده است از این رو عرب به قیچی که برنده است مقرض گویند. معنی دیگر بریدن این است که قرض دهنده قسمتی از اموالش را جدا کرده و به قرض گیرنده می دهد و لذا راغب اصفهانی قرض را چنین تعریف کرده است: "و سَمِيَ ما يدفع إلى الإنسان من المال بشرط ردِّ بدله قَرْضًا" مالی که به دیگری داده می شود به شرط باز گرداندن عین یا بدل آن قرض نامیده می شود (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۴۰۰).

صاحب مجمع البحرین نیز قرض را به معنی قطع کردن جزء از مال گرفته است: «القرض: ما تعطيه غيرك ليقتضيه وأصله القطع، فهو قطيعة من مالک باذنه علی ضمان رد مثله» (الطریحی، ۱۳۷۵: ۴۸۷).

در اصطلاح قرض آن است که کسی مال خود را به دیگری تملیک کند، البته به این صورت که قرض گیرنده نسبت به آدای خود آن مال، یا مثل و قیمت آن ضامن شود و تعهد کند. (امام خمینی، ۱۳۷۶: ۵۳۴).

در قانون مدنی ایران در مورد قرض چنین آمده است: «قرض به معنای عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین مقدار معینی از مال خود را به طرف دیگر تملیک می کند تا طرف مقابل مثل آن را از حیث مقدار، جنس و وصف رد نماید و در صورت تعذر رد مثل، قیمت یوم الرد را بدهد» (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۴۳۹).

۳- مفهوم قرض الحسنه

قرض الحسنه از دو کلمه «قرض» و «حسنه» تشکیل شده است واره ای قرض هم چنانکه گذشت به معنی بریدن و قطع کردن آمده است و واره حسنه از ماده احسان به معنی کار نیک، رفتار خوب و مهربانی می باشد. اگرچه قرض الحسنه در کتب لغت و تفاسیر نیامده ولی مرادشان از قرض همان قرض الحسنه می باشد چرا که قرض و قرض الحسنه هردو در مقابل قرض ربوی است در عرف جامعه هم تعریفی که مردم از قرض الحسنه دارند همان تعریفی است که دانشمندان تفسیر و لغت از قرض دارند بنابراین قرض الحسنه یعنی قرض نیکو. قرض دهنده به هدف نیکی کردن، قسمتی از اموال خود را به

صورت قرض (وام) بدون بهره و سود به دیگری (قرض گیرنده) قرض می دهد.

قرض الحسنه یک اصطلاح فارسی است که در میان عامه مردم فارسی زبانان استفاده می شود معادل عربی آن قرض الحسن می باشد و منظور از قرض الحسن هم آن است که ربا در آن نباشد، از مال حلال باشد، منت و اذیت بدنبال نداشته باشد و به نیت پاک و صرفا برای خدا داده شود. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶۰۸).

در یک تعریف جامعی می توان گفت: «قرض الحسنه عقدی است که به موجب آن قرض دهنده، مقدار مشخصی از مال و دارایی خود اعم از پول، اوراق بهادار، طلا، اثاثیه، کالا و... را با هدف کار نیک به صورت قرض بدون بهره (سود) در اختیار قرض گیرنده قرار می دهد و قرض گیرنده موظف است طبق زمان و شرایط تعیین شده و در پایان دوره مقرر، مثل یا قیمت آن را بدون هیچ گونه افزایشی و یا کاهشی به قرض دهنده بازگرداند.» بنابراین، قرض الحسنه، وام بدون سودی است که جهت مساعدت به افراد نیازمند داده می شود و باید در پایان مهلت تعیین شده بدون هیچ گونه اضافه یا کسری، بازپرداخت شود.

۴- مفهوم منطقه محروم

محروم در لغت به معنی بازداشته شده ازخیر، بی نصیب، باز داشته ازخیر و نیکی و فایده، بی بهره، گردانیده شده، آمده است (دهخدا، ۱۲۵۸-۱۳۳۴: ۵۲۹).

اما در اصطلاح، مناطق محروم دارای تعریف روشنی نمی باشد چون محرومیت یک شاخص نسبی است که در زمانها و مکانهای مختلف متفاوت می باشد اما در کل می توان این چنین تعریف کرد: منطقه محروم، منطقه ای است که از نظر امکانات عمومی و ظرفیت های خصوصی حداقل های لازم را نسبت به مناطق دیگر ندارد یا بعبارت دیگر مناطق محروم مناطقی است که شاخص های نرخ بیکاری، آموزش و پرورش، آب شرب شهری و روستایی، بهداشت و درمان، بهسازی روستاها، سرانه های عمران شهری و درآمد شهرداری راه و زیرساخت های جاده ای در این مناطق پایین تر از متوسط کشوری است. مناطق محروم یا مناطق کمتر توسعه یافته اصطلاحی است که بیشتر در نظام سیاست گذاری اقتصادی دولتها برای برخی مناطق به کار می رود.

از جمله تعاریف که شاید بتوان گفت جامع‌ترین تعریف باشد تعریف است که جامعه شناس انگلیسی آقای تاونسند ارائه داده است: «مردمی را می‌توان محروم دانست که دسترسی کافی به غذا، لباس، امکانات مسکن، سوخت، محیط زیست مطلوب، آموزش و پرورش، کار و شرایط اجتماعی، فعالیت‌ها و امکانات معمول و یا حداقل مورد تأیید جامعه‌ای که به آن تعلق دارند را، نداشته باشد» (Townsend, ۱۹۸۷: ۱۴۰-۱۳۱).

بطور کلی مناطق محروم یا محله فقیرنشین جایی است که افراد دسترسی به حداقل‌های لازم و ضروری را ندارد که با نبود آنها حیات انسان در معرض خطر قرار خواهد گرفت.

ابعاد فقر و محرومیت

گرچه ماهیت بینوایی و محرومیت در میان جوامع، مکانها و زمانها متفاوت است و دارای ابعاد مختلف می‌باشد اما یک شباهتی بین این جوامع وجود دارد؛ که بخش مادی محرومیت مهم نمودار می‌شود کمبود غذا، پوشاک و سرپناه همه جا حالت بحرانی نشان داده می‌شود و در کنار مادیات، سلامت جسمانی و بهداشت بطور برجسته ویژگی فقر را نشان می‌دهد.

شناخت ابعاد مختلف محرومیت در هر جامعه‌ای نشان دهنده محروم بودن یا توانمندی اقتصادی آن مردم هست و شاخص‌های اصلی عقب ماندگی و پیشرفت می‌باشد که اموری مانند: کمبود غذا یا تغذیه، پوشاک، مسکن، وسایل رفاهی، بهداشتی و تحصیلی را در بر می‌گیرد.

۱- تغذیه

یکی از ابعاد محرومیت و سنجش فقر، تغذیه می‌باشد تغذیه مناسب و کافی از ضروریات اولیه زندگی هر انسان است کمبود غذا و نبود تغذیه کافی منجر به بهداشت نا مطلوب و بهداشت نامطلوب منجر به بیماری و ناتوانی در کسب درآمد می‌شود. سطح تغذیه در مناطق محروم به شدت محدود و نارسا است و اکثریت مردم مناطق محروم نمی‌توانند از انواع خوردها و آشامیدنیها استفاده نمایند و دچار سوء تغذیه هستند. سوء تغذیه از مقاومت افراد در برابر مشکلات کار می‌کاهد و افراد را در برابر بیماریها ناتوان می‌سازد چنانچه مصرف گوشت در سراسر آسیای جنوبی موجب بیماری کم خونی ناشی

از کمبود آهن می‌شود. بنا بر این اینگونه افراد آسیب پذیراند که نه تنها در روند توسعه کارایی کمی دارند بلکه باری هستند بر دوش اقتصاد جامعه. (راسخ، ۱۳۸۰: ۲۸۱).

۲- پوشاک

یکی از شاخص‌های سطح زندگی افراد داشتن لباس و پوشاک مناسب است که از این راه بتواند بدن خود را از سرما و گرما محفوظ نگهدارد اما در مناطق محروم زندگی افراد بگونه‌ای است که توان بدست آوردن لباس برای همه مسیر نیست ولذا افراد مناطق محروم به دلیل نداشتن پوشاک مناسب، در معرض تهدید انواع مرض‌های برآمده از تغییرات فصلی قرار دارد.

۳- مسکن

داشتن یک سرپناه و مسکن مناسب از ضروریات یک زندگی است تا آسایش و سعادت برای همه فراهم شود اما متأسفانه در مناطق فقیر به دلیل محرومیت و وجود فرصت طلبان و ساخت سازه‌های تجملی و بیش ارحد نیاز، قدرت خرید و ساخت مسکن را از فقرا سلب و آنها مجبور به سکونت در بیغوله‌ها و مکانهای نامناسب می‌شوند.

در سال ۲۰۰۷ برای نخستین بار سهم جمعیت ساکن شهرهای جهان بیشتر از سهم جمعیت ساکن روستاها شد و این امر هم زمان به رشد بی سابقه و سریع فقر شهری و گسترش مناطق اسکان غیر رسمی یا زاغه نشینها منجرشد. بررسی این وضعیت در بیش از صد شهر جهان نشان می‌دهد که در کشورهای درحال توسعه، هر روز صدهزار نفر به جمعیت زاغه نشینها افزوده می‌شود. به این ترتیب بحران مسکن فقرا در سطح جهانی به سکونت یک میلیارد نفر از آنان در حاشیه شهرها انجامیده است که در ارزیابی کلی بی بهره ترین از خدمات شهری اند. برخی برآوردها حاکی از آن است که این جمعیت در طی ۲۵ سال آینده به دو میلیارد خواهد رسید. (قهفخری، ۱۳۹۴: ۳۵۶).

۴- بهداشت

یکی از شاخص‌های مهم محرومیت و رفاه یک جامعه سطح بهداشت آن جامعه می‌باشد. یک جامعه سالم جامعه است که از سطح مطلوب نظافت و بهداشت برخوردار باشد. همگان بتوانند آب نوشیدنی سالم و خوراکیهای پاکیزه مصرف نمایند و به آب و وسایل نظافتی- بهداشتی مناسب دسترسی داشته باشند. اما در مناطق محروم و کشورهای

فقیر میزان مرگ و میر کودکان، کمبود پزشکان و آب سالم و بهداشتی و... ارقام بالای را بخود اختصاص داده است. ۱۴ میلیون کودک قبل از پنج سالگی و همه ساله سه میلیون کودک به دلیل فقدان واکسیناسیون بر اثر بیماری می‌میرند؛ هنوز جمعیتی زیادی از مراقبتهای بهداشتی اولیه و آب آشامیدنی سالم محرومند. (معمارزاده، ۱۳۶۹: ۴۱).

۵- آموزش

یکی دیگر از ابعاد محرومیت در یک جامعه، سطح سواد و تحصیل در آن جامعه می‌باشد. یک جامعه پیشرفته جامعه ای است که همه مردم آن به آموزش دسترسی دارد و همگان می‌توانند از فرصتهای آموزشی استفاده نمایند. اما جامعه که دچار فقر و محرومیت می‌باشد، این فقر و محرومیت باعث می‌شود که مردم نتوانند به دنبال کسب سواد و آموزش بروند و در نتیجه این چنین جامعه‌ای نه تنها پیشرفت ندارد بلکه بیش از پیش عقب مانده و هر روز به محرومیتشان افزوده می‌شود. چون فقر و عقب ماندگی با ناآگاهی و بی سوادی در رابطه است. سطح پایین آموزش و ناتوانیهای علمی از عوامل مهم نقصانهای مدیریتی، استفاده نادرست از سرمایه‌ها و سیاستگذاریهای غیر اصولی و انحراف مسیر رشد تعالی است. (حسینی، ۱۳۸۰: ۹۷-۹۸).

جایگاه قرض الحسنه در اقتصاد اسلامی

قرض الحسنه به عنوان یکی از ابزارهای مالی اسلامی، نقش بزرگی در رشد اقتصادی و توسعه بانکداری اسلامی و سهم به سزای در رسیدن به اهداف والای که دین برای حوزه معیشتی و اقتصادی جامعه اسلامی مشخص نموده است ایفا می‌کند. قرض الحسنه یکی از سنت‌های نیکوی الهی است که عمل به آن بسیاری از مشکلات اقتصادی و اجتماعی را را بر طرف ساخته و از یک طرف باعث رشد اقتصادی می‌گردد و از طرف دیگر سبب رشد و تعالی فضایل اخلاقی عاملان آن می‌گردد. قرض الحسنه در اقتصاد اسلامی جایگاه بلندی دارد که علاوه بر پاداش اخروی، کسب اخلاق پسندیده و نوع دوستی، دارای آثار اقتصادی نیز می‌باشد. قرض الحسنه با سایر نهادهای اقتصادی هم رابطه ای ویژه دارد. نهاد قرض الحسنه می‌تواند از ابزار مهم جذب منابع برای تامین اجتماعی در بخش کفالت همگانی شمرده شود. که در این صورت عدالت اجتماعی

برقرار می‌شود. اسلام با فقر و ایجاد فاصله طبقاتی مخالف است. در این میان قرض الحسنه می‌تواند نقش مهمی در کاهش فاصله طبقاتی و رفع نسبی فقر ایفا نماید. یکی از کارکرد مهم قرض الحسنه به جریان انداختن وجوه راكد است كه نتیجه آن افزایش تضای كل و تولید كل می‌باشد. قرض می‌تواند بر مصرف، پس انداز، تولید، توزیع خلق پول و... اثر داشته باشد.

۱- اهمیت قرض الحسنه

اسلام جهت نابودی و ریشه كن نمودن سیستم‌های ربوی از جامعه، ابزار و روشهای موثری را برای نظام اقتصادی پیشنهاد نموده است؛ كه این روشهای مفید، علاوه بر اینکه زیانهای اقتصادی سیستم ربوی را ندارد، از امتیاز ویژه ای نیز برای نیازمندان برخوردار می‌باشد. یکی از این روشها نهاد قرض الحسنه می‌باشد. قرض دادن یک نوع تامین مالی اسلامی است كه در اقتصاد اسلامی از اهمیت زیادی برخوردار است. زیرا قرض الحسنه از یک جهت بدست نیازمندان واقعی می‌رسد، یعنی تا زمانی كه کسی نیازمند نشود به دنبال قرض نمی‌رود و از جهت دیگر چون الزام به باز پرداخت است، لذا موجب تلاش و كار بیشتر نیز می‌گردد. بنابراین اجرای درست این روشهای اقتصادی، به نابودی كامل نظام ربوی و به ثمر نشستن بانکداری به سبك اسلامی خواهد انجامید. كمك به فقرا و مستمندان و تلاش جهت رفع فقر و محرومیت زدایی یکی از اهداف اقتصاد اسلامی است و در این راستا یکی از روشهای كارآمد جهت نیل به توسعه اقتصادی و ایجاد رفاه در جامعه و تامین مالی خصوصا برای تامین نیازهای ضروری مسلمانان، قرض‌الحسنه می‌باشد كه علاوه بر آیات قرآن، احادیث و روایات متعددی، برای تشویق به اعطای قرض‌الحسنه وارد شده است كه همگی نشان از اهمیت این مسئله در نظام اقتصادی جامعه اسلامی دارد. به عنوان نمونه به بعضی از این‌ها اشاره می‌شود:

۱.۱. پاداش چند برابر

قرآن کریم پیرامون قرض‌الحسنه تعبیری چندین برابر (اضعافاً کثیره) دارد كه در مورد مطلب دیگری در قرآن کریم دیده نمی‌شود "مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ اَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَالِيهِ تُرْجَعُونَ" (بقره: ۲۴۵). کیست كه خدا را

قرض الحسنه دهد و خدا بر او به چندین برابر بیفزاید و خداوند (روزی بندگان را) محدود و یا گسترده می‌سازد و بسوی او بازگردانده می‌شوید. یا در سوره حدید آیه ۱۱ می‌فرماید: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ». (حدید: ۱۱) آن کیست که به خدا قرض نیکو دهد (یعنی قرض الحسنه دهد) تا خدا بر او چندین برابر گرداند و او را پاداشی با لطف و کرامت باشد. باز در سوره حدید آیه ۱۸ می‌فرماید: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفُهُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ». (حدید: ۱۸) همانا مردان و زنانی که در راه خدا به فقیران صدقه و احسان کنند و به خدا قرض نیکو دهند خدا ثواب آنها را چندین برابر سازد و پاداش با لطف و کرامت عطا کند. چنانچه ملاحظه می‌کنید قرآن کریم ضمن بیان اهمیت و فضیلت قرض الحسنه در گشایش و رفع مشکلات جامعه، اجر مضاعف و پاداش نیکوی که همراه با کرامت آنرا نیز بیان می‌کند. علاوه بر آن همه بندگان را بسوی این پاداش همراه با کرامت فرا میخواند: در آنجا که می‌فرماید «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا...».

۱.۲. قرض در ردیف نماز و زکات

خداوند در آیه ۲۰ از سوره مزمل، قرض الحسنه را در ردیف نماز و زکات قرار داده می‌فرماید: «اقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا؛ نماز را بپا دارید و زکات بدهید و بخدا قرض نیکوی بدهید. قرار گرفتن قرض الحسنه در ردیف نماز و زکات به معنی اهمیت داشتن قرض الحسنه می‌باشد. علاوه بر این، نشان دهنده این است که عمل بندگان فقط نماز روزه و زکات و... نیست بلکه قرض الحسنه دادن و رفع احتیاجات هموعان هم از جمله اعمال بندگان به شمار می‌رود.

در روایات نیز در مورد قرض الحسنه سفارشهای زیادی شده است:

۱.۳. ثوابی به اندازه کوهای رضوی و طور سینا

از رسول گرامی اسلام در مورد قرض الحسنه آمده است: «مَنْ اقْرَضَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ كَنْ لَه بِكُلِّ دِرْهَمٍ اقْرَضَهُ وَزَنَ جِبِلَّ أَحَدٍ مِنْ جِبَالِ رَضَوَى وَطُورَ سَيْنَاءِ حَسَنَاتٍ، وَانْ رَفَقَ بِهِ فِي طَلَبِهِ، تَعَدَّى بِهِ عَلَى الصَّرَاطِ كَالْبَرْقِ الْخَاطِفِ اللَّامِعِ بِغَيْرِ حِسَابٍ وَلَا عَذَابٍ». کسی که به برادر مسلمانش قرض بدهد، به اندازه هر درهمی که به او می‌دهد به بزرگی کوه احد

از کوه‌های رضوی و طور سینا، برای او پاداش‌هایی هست و اگر در مورد گرفتن طلب خود با آن مؤمن، مدارا و رفاقت کند، همانند برق خیره‌کننده و درخشان، بدون حساب از روی پل صراط بگذرد (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۸۸).

۱.۴. افضل از صدقه

از امام صادق علیه السلام: مکتوبٌ علی الجنّة: الصدقة بعشر، والقرض بثمانیه عشر، و انما صار القرض افضل من الصدقة لان المستقرض لا یستقرض الا من حاجة، وقد یطلب الصدقة من لایحتاج الیها؛ در بهشت نوشته شده: پاداش صدقه ده برابر، ولی پاداش قرض، هیجده برابر است. آنگاه فرمود: پاداش قرض از این رو بر پاداش صدقه بیشتر است که قرض‌گیرنده جز از روی نیاز قرض نمی‌گیرد، ولی صدقه‌گیرنده گاهی با اینکه نیاز ندارد، صدقه می‌گیرد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۳۹).

۱.۵. اجر و پاداش صدقه

باز هم از امام صادق علیه السلام روایتی نقل شده است: ما من مُسْلِمٍ أَقْرَضَ مُسْلِمًا قَرْضًا یُرِیدُ وَجْهَ اللَّهِ إِلَّا أُحْتَسِبَ لَهُ أَجْرُهَا بِحَسَابِ الصَّدَقَةِ حَتَّى تَرْجِعَ إِلَیْهِ؛ امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ مسلمانی نباشد که به مسلمان دیگری بخاطر خدا قرض دهد، جز آنکه خداوند هر روز ثواب صدقه دادن آن را به حساب وی ثبت کند تا زمانی که آن مال به او باز گردد (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۳۳۰).

از مجموع این آیات و روایات بدست می‌آید که قرض الحسنه یکی از اصول مهم اقتصاد اسلامی است که ثمرات معنوی و مادی برای قرض‌دهنده و قرض‌گیرنده دارد.

۱.۶. محرک فعالیت اقتصادی

امام خمینی در مورد قرض الحسنه می‌فرماید: قرض الحسنه از اعمال بسیار خوب است و بهتر از (انفاق و) همین طور پول دادن است، شاید یکی از نکته‌هایش این باشد که قرض الحسنه فعالیت به دنبال دارد و پول دادن مجانی شاید گدا درست کردن باشد، کسی که قرض می‌کند، به فعالیت می‌افتد تا در وقت خودش بتواند قرضش را ادا کند و با مازادی که پیدا کرده به کار خود ادامه دهد، ولی آن کس که کنار کوچه نشسته و از مردم چیزی می‌خواهد، هیچ وقت در فکر این نیست که کاری بکند؛ برای این که دیگر کسی

نمی‌تواند از او مطالبه کند مبادا آن بیچاره‌ای که آمده قرض بگیرد با تلخی با او روبرو شوید، این خیلی اهمیت دارد. ممکن است یک نفر قرض‌الحسنه بدهد، اما با ترشرویی قلب قرض گیرنده را آزرده کند و این قلب محل تجلی خداست. (امام خمینی، ۱۳۹۶: ۲۴۷).

بنابراین باتوجه به اهمیت قرض‌الحسنه در اقتصاد اسلامی، اگر همه جوامع اسلامی به این ندای قرآنی و الهی گوش فرا داده و قرض‌الحسنه دادن را شعار و شیوه خویش قرار دهند، دیگر فقر و بی‌نوایی از آن جامعه رخت برخواهد بست. دیگر فقری وجود نخواهد داشت.

۲- ویژگیهای قرض‌الحسنه

قرض به‌عنوان یکی از عقود اسلامی یا به‌عنوان یک ابزار تأمین مالی اسلامی دارای احکام ویژه می‌باشد. شرع ضمن امضای این قرارداد عقلایی، شروطی برای درستی آن در نظر گرفته است؛ مثل عدم شرط اضافه بر اصل در وقت پرداخت که این شرط اضافه منجر به ربا می‌شود. هرچند قرض‌الحسنه به عنوان یک ابزار سرمایه‌گذاری و یا ابزار تأمین مالی در اقتصاد اسلامی مورد توجه است. اما بیشتر برای کمک رسانی برای کسانی است که نیازمند و ناتوان است و یا به عبارتی دیگر، قرض‌الحسنه ابزار تأمین مالی ویژه نیازمندان می‌باشد که از راه‌های دیگر نمی‌توانند نیازهای خود را تأمین نمایند. بنابراین شناخت قرض‌الحسنه و ویژگیهای آن ما را در تحلیل آثار آن یاری خواهد نمود.

ویژگی‌های قرض‌الحسنه در سه بخش؛ خود قرض‌الحسنه، قرض دهندگان و قرض گیرندگان قابل بررسی می‌باشد

۲.۱. اصل قرض‌الحسنه

الف) امنیت قرارداد

اولین ویژگی قرض‌الحسنه اطمینان از باز پرداخت مبلغ قرض است. اگر مدت قرارداد از قبل تعیین شده باشد، قرض‌گیرنده ملزم است که در مهلت سر رسید قرض را باز پرداخت نماید. اگر وام گیرنده نتواند در موقع سر رسید باز پرداخت نماید، وام دهنده می‌تواند از مجرای قانونی طلبش را پیگیری نماید. اگر در قرارداد قرض، مدت برای

بازپرداخت تعیین نشده باشد، در این صورت وام دهنده هر وقت که بخواهد می‌تواند طلب خود را مطالبه نماید و قرض‌گیرنده شرعا موظف است که بدهی خود را بپردازد. بنابراین تمهیدات مذکور می‌تواند باعث اطمینان و امنیت این قرض و کاهش خطر از بازپرداخت آن شود (توکلی، ۱۳۹۲: ۲۱۸).

ب) ریسک اندک

ویژگی دیگر قرارداد قرض الحسنه اندک بودن ریسک آن است. یک بنگاه می‌تواند طیفی از انواع دارایی‌های بی خطر، کم و پر خطر را داشته باشد. مثلا می‌توان عقود مشارکت را از داراییهای پر خطر برشمرد و فروش اقساطی و اجاره را از دارایی‌های کم خطر و قرض الحسنه را از جمله عقود بی‌خطر حساب نمود. زیرا با الزامات حقوقی باز پرداخت به هنگام سر رسید آن تقریبا مسلّم دیده می‌شود که این ویژگی یعنی وصول به موقع و سریع آن قرض الحسنه را در ردیف یکی از دارایی‌های پرجاذبه (علاوه بر بازده بسیار ناچیز آن) برای بنگاهای مالی قرار داده است.

ج) کاهش بار مالی دولت

با توجه به اینکه قرض الحسنه با زمینه‌های اعتقادی و شرایط جامعه مرتبط است، لذا یکی از ویژگیهای قرض الحسنه این است که می‌تواند ضمن تامین مالی بخشی از نیازهای اساسی مصرفی و تولیدی کوچک، از فشار بیش از حد بر دولت برای تامین مالی این بخشها، بکاهد. یعنی در واقع قرض الحسنه می‌تواند بار مالی دولت را در جهت تامین مالی نیازهای ضروری جامعه، کاهش دهد.

د) انگیزه عدم سود

یکی از ویژگی اصلی قرض الحسنه که آنرا از همه قراردادهای استثنای می‌کند، عدم انگیزه بهره‌مندی از سود است در همه قراردادهای مثل مشارکت، مضاربه، اجاره و... به نوعی انگیزه اصلی سود آوری بیشتر می‌باشد، ولی در قرض الحسنه هیچ شائبه‌ای برای برخورداری از سود وجود ندارد. چون انگیزه سود در آن نه تنها موجب حرمت معامله می‌شود، بلکه سود ماهیت معامله را عوض نموده و آنرا به یک معامله‌ای ربوی تبدیل می‌نماید. (نقیبی حبیبیان، ۱۳۸۲: ۴۵).

هـ) ساده گی در اجرا

سهولت اجرای قرض الحسنه یکی دیگر از ویژگی های آن می باشد. تنوع تقاضای مشتریان به حدی است که بنگاه ها با چند عقد معین نمی تواند نیازهای مشتریان خود را تامین کنند. یعنی لازم است برای تامین نیازهای متفاوت مشتریان، از عقود متفاوت استفاده نمایند. در این میان امتیاز و ویژگی عقد قرض الحسنه این است که اگر بنگاه نتوانست با عقود دیگر تقاضاهای ابراز شده را تامین مالی کند، با استفاده از عقد قرض الحسنه می تواند این نیازها را تامین کند. قرارداد قرض الحسنه قابلیت تطبیق برای عرضه تسهیلات کوتاه مدت و بلند مدت و هم چنین عرضه تسهیلات تولیدی و مصرفی و خدماتی را دارد و آنرا مکمل سایر تسهیلات می سازد. (توکلی، ۱۳۹۲: ۲۱۹).

و) عدم شرط زیاده

در تعلیمات دینی آنچه برای قرض دادن شرط شده است، عدم شرط زیاده است، اما در بیشتر صندوقهای قرض الحسنه فعلی و تمامی بانکها شرایطی سنگینی برای قرض دادن قرارداد شده است که یا اصلاً در منابع دینی نیست یا در صورت وجود بسیار آسان گرفته شده است. مانند ملزم و متعهد شدن قرض گیرنده به باز پرداخت و اینکه یک یا چند ضامن معتبر شخص گیرنده قرض را ضمانت نماید آنهم با چک و سفته و... و چنانچه نتواند به تعهدات خود عمل نماید. چک به اجرا در می آید. اگر قرض گیرنده نتواند به موقع باز پرداخت نماید، از گرفتن قرض در آینده محروم خواهد شد (بیک محمدی، ۱۳۹۰: ۱۸۰).

در بسیاری از صندوقها و بانکها این گونه شرط شده است که اگر از ابتدا مشخص باشد که شخص متقاضی وام، قدرت باز پرداخت وام (قرض) را ندارد، برای اعطای وام به آن شخص اقدامی نخواهد شد (همان: ۱۸۱). این در حالی است که در منابع دینی بسیار نسبت به کسانی توان پرداخت ندارند، توصیه و سفارش به مدارا شده است. حتی سفارش شده که آن را صدقه حساب نمایید و هیچگاه نفرموده است که این چنین کسانی را از دادن قرض دوباره محروم نمایید. در نگاه دینی قرض الحسنه دادن یک فرصت است که شخص قرض دهنده باید بابت این مساله شاکر باشد و از اینکه دست نیاز به سوی او دراز شده، او دست شکر بسوی خداوند دراز نماید و از خداوند تشکر و سپاسگزاری

نماید و توفیق خدمت بیشتر به خلق را و حل مشکلات آنان را از خداوند درخواست نماید.

۲.۲. قرض دهنده

الف) پاداش معنوی

کسیکه بدون بدست آوردن سود، مدتی دست از تصرف در اموال خود برمی‌دارد و بدون هیچ چشم داشتی مادی آنرا به مدت معینی به دیگران واگذار می‌کند به لحاظ رفتار اقتصادی قابل توجیه نیست. از نگاه صرفاً اقتصادی معامله قابل توجیه است که در آن معامله یک سودی و فایده‌ای مد نظر باشد. اما از نگاه فرهنگ دینی و اقتصاد اسلامی سود فقط سودهای اقتصادی و مادی نیست بلکه ثواب و پاداش معنوی، کسب اخلاق پسندیده، نوع دوستی و... نیز نوعی سود بحساب می‌آید و لذا در مورد قرض دادن که شخص مدتی از تصرف در اموال خود صرف نظر می‌کند و آنرا بدون سود بدیگری می‌سپارد، نوعی سود و فایده‌ای مطرح است. که انگیزه‌ای وام دهنده را بر می‌انگیزد که یکی از آنها پاداش اخروی است. در این زمینه از پیامبر عظیم الشان اسلام روایتی آمده است: من اقترض اخاه المسلم كان له بكل درهم اقرضه وزن جبل احدٍ من جبال رضوى و طور سيناء حسنة، و ان رفق به في طلبه، تعدى به على الصراط كالبرق الخاطف اللامع بغير حساب ولا عذاب (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۸۸) کسیکه به برادر مسلمانش قرض بدهد، به اندازه هر درهمی که به او می‌دهد به بزرگی کوه احد از کوه‌های رضوی و طور سینا، برای او پاداش‌هایی هست و اگر در مورد گرفتن طلب خود با آن مؤمن، مدارا و رفاقت کند، همانند برق خیره‌کننده و درخشان، بدون حساب از روی پل صراط بگذرد.

ب) کسب اخلاق پسندیده

یکی از انگیزه‌های وام دهنده بدست آوردن اخلاق نیک مانند سخاوت است. کسب اخلاق پسندیده یکی سفارشها و توصیه‌های مهمی دین مقدس اسلام می‌باشد زیرا بدون اخلاق نه دین مفهوم دارد و نه دنیا سامان می‌یابد. کسب فضایل اخلاقی فقط به اسلام اختصاص ندارد از اهداف تمام ادیان آسمانی است. سخاوت و بخشش از جمله فضایل اخلاقی به شمار می‌آید و قرض رفتار است که در سایه این صفت پسندیده بوجود می‌آید

بر خلاف بخل که جزء رذایل اخلاقی است که مانع قرض دادن می‌شود.

بنابراین می‌توان گفت که قرض از ثمرات سخاوت است زیرا شخص سخاوتمند راضی می‌شود که به برادر نیازمند خود مقداری از مالش را قرض بدهد تا زمانی که او توانایی باز پرداخت پیدا نماید چنانچه که راضی می‌شود مالش را ببخشد در حالیکه این رفتار برای بخیل مشکل بنظر می‌رسد (نراقی، ۱۳۱۲: ۲۲۸).

ج) قرض دادن بدون منت

قرض دهنده باید اصل خوش رویی را سرلوحه کارش قرار دهد و بدون منت و اذیت قرض دهد. خوشروی و برخورد حسنه در تمام بر نامه‌ها یک اصل پسندیده است اما در مورد قرض دادن پسندیده تر است؛ زیرا اعطای قرض یک رفتار اخلاقی، تربیتی و اقتصادی است که با گشاده رویی، بهتر این نتیجه حاصل می‌شود.

د) نوع دوستی

از انگیزه‌های قرض دهنده، نوع دوستی است. نوع دوستی یعنی؛ کمک کردن به دیگران و انجام کارهای نیک برای افراد دیگر یا تمایل کمک رسانی و خدمت به دیگران یا رفتاری که هدف آن کمک و نفع رسانی به دیگران است. در وهله نخست نوع دوستی به معنی مبارزه با خود خواهی و خود دوستی می‌باشد؛ زیرا تا زمانی که خود خواهی در انسان غالب باشد، دیگران نادیده گرفته خواهد شد. پس اولین قدم برای نوع دوستی، از خود گذشتگی یا کنار گذاشتن خود خواهی است. ثانیاً: انسان موجود اجتماعی است و هر موجود اجتماعی نیاز به یاری، همکاری و تعاون دارد. تعاون و همکاری یک امر ضروری جوامع است و الا افراد به خواسته‌های خود نخواهد رسید. یعنی حتی اگر هدف کمک و یاری دیگران هم نباشد بلکه هدف این باشد که فقط خودش به نفع برسد، باز تعاون و همکاری لازم است زیرا تعاون و نوع دوستی رابطه ای دو طرفه است، یک فرد زمانی به نفع خود می‌رسد، که به دیگران هم نفع و کمک برساند و هرچه این تعاون و همکاری بیشتر شود افراد بهتر به نفع خود می‌رسند و زندگی اجتماعی منجسم تر و بهتر خواهد شد. قرض الحسنه نیز نوعی تعاون همکاری اجتماعی است که می‌تواند از حب و نوع دوستی انسان سرچشمه بگیرد (هادوی نیا، ۱۳۷۸: ۴۸).

هـ) پس انداز

هر انسانی به لحاظ گرایش و حب مالی که در وجود شان هست و هم به لحاظ آینده نگری شان دوست دارد بخشی از اموال خود را پس انداز نماید تا درآینده محتاج دیگران نشود و از آن استفاده نماید. با این تحلیل از رفتار مالی یک فرد، می توان یکی از انگیزه های قرض دادن را نوعی پس انداز بحساب آورد. شخص قرض دهنده چون به مالش فعلا نیاز ندارد و می خواهد درآینده از آن استفاده نماید و از طرفی نگهداشتن مال با خطراتی رو برو هست لذا برای امنیت و حفظ مال از نابودی مال خود را فعلا بصورت قرض بدیگران واگذار می کند تا هم امنیت اموالش تضمین شود و هم برای آینده پس اندازی داشته باشد.

و) جایزه

افراد از نظر شرایط اقتصادی و انگیزه های قرض دادن متفاوت است یکی از انگیزه های قرض دادن برای بعضی افراد می تواند جایزه یا پرداخت اضافی داوطلبانه باشد که البته این امر از نگاه شرعی ممنوع نیست بلکه در روایات نسبت به آن سفارش شده است. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: "فَإِنْ أَعْطَاهُ أَكْثَرَ مِمَّا أَخَذَهُ بِلَا شَرْطٍ بَيْنَهُمَا فَهُوَ مُبَاحٌ لَهُ، وَلَيْسَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ ثَوَابٌ فِيمَا أَقْرَضَهُ" (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۶۱) اگر قرض گیرنده بدون قرار قبلی، سودی به قرض دهنده بدهد مباح است، ولی آن قرض دهنده پاداشی از خدا نخواهد گرفت. پس می توان با پرداخت مقدار اضافی، داوطلبانه بدون قرار قبلی، انگیزه قرض دادن را افزایش داد.

ز) کارمزد

در گذشته ها قرض دادن ها بیشتر راحت و ساده بود و بصورت فردی انجام می گرفته است. مثلا شخص نیازمندی تقاضای قرض می کرد، بعد فردی که وضعیت اقتصادی شان خوب بود به عنوان قرض دهنده، دعوت این شخص متقاضی قرض را می پذیرفت و مبلغی را به عنوان قرض به شخص قرض گیرنده تحویل می داد. اما امروزه قرض دادن بیشتر از طریق صندوقهای قرض الحسنه و هم چنین از طریق بانک انجام می گیرد. لذا مساله کار مزد مطرح شده است. کارمزد پولی است که در قبال خدمات که کارکنان صندوق ارائه می دهند، گرفته می شود؛ از قبیل هزینه های کارمندان صندوق، اداره صندوق

و تامین نیازهای صندوق. در بسیاری از صندوقهای قرض الحسنه، گرفتن کار مزد یک امر بدیهی به شمار می‌رود و برای تامین هزینه‌های صندوق این کارمزد را امر طبیعی می‌دانند، که با توجه با تمام هزینه‌های منابع قرض الحسنه محاسبه می‌شود و به صورت درصدی از تمام دریافت کنندگان قرض الحسنه گرفته می‌شود. یا اما بعضی از صندوقهای قرض الحسنه، گرفتن هرنوع پولی را به عنوان کارمزد، جایز نمی‌دانند و آنرا امر مخالف فرهنگ دینی به شمار می‌آورند (بیک محمدی، ۱۳۹۰: ۱۸۸).

دلیل این گروه این است که اولاً: وقتی کسانی حاضر باشند که در این خیر (قرض الحسنه) شرکت کنند و مقداری از دارایی خود را برای مدتی از چشم پوشی نمایند، قطعاً در مورد هزینه‌های صندوق نیز حاضرند و آمادگی دارند که از آن هم چشم پوشی نمایند. ثانیاً: دریافت مبلغی به عنوان کارمزد، از نظر فقهی با شبه ربا رو برو است. چون دقیقاً نمی‌توان هزینه‌های تخصیصی صندوق قرض الحسنه را تابع مبلغ دریافتی دانست. به عنوان نمونه، برای قرض دادن یک میلیون نمی‌توان گفت بیست هزار هزینه می‌کند و برای پنج میلیون پنج برابر آن یعنی صد هزار هزینه می‌کند. چون این رابطه‌ها یعنی مقدار قرض با مقدار هزینه‌ها دقیقاً مشخص نیست. لذا شبه ربوی بودن را تقویت می‌کند (توکلی، ۱۳۹۲: ۲۲۵).

این شبه ربا از جهت دیگر نیز تقویت می‌شود که وقتی اصل کار قرض الحسنه بر خدمات و کمک بدون مزد استوار باشد، هزینه‌های خدمات آن به طریق اولی رایگان و بدون کارمزد خواهد بود. به عبارت دیگر انگیزه‌های اصلی قرض الحسنه دادن بر پایه‌های اعتقادی آن می‌باشد یعنی کسانی قرض می‌دهند و اهل قرض الحسنه هستند، که باور و اعتقاد به ثواب و پاداش معنوی در قبال این کار داشته باشند. لذا وقتی اصل کار قرض دادن برای ثواب و پاداش اخروی و معنوی باشد، فرعیاتش مثل هزینه‌های پرداخت نیز به طریق اولی برای رسیدن به همان ثواب و پاداش خواهد بود.

۲.۳. قرض گیرنده

الف) نیازمندی

یکی از ویژگی اصلی قرض گیرنده، نیازمندی است. در فرهنگ دینی قرض اگر برای

کار ضروری نباشد امری ناپسند شمرده شده است و مسلمانان را از این که در حال بی نیازی تن به قرض دهند تا وسعت بیشتری در زندگی داشته باشند، منع نموده است. در این زمینه روایتی از رسول گرامی اسلام^(ص) آمده است که حضرت میفرماید: "اغْذُ بِاللَّهِ مِنَ الْكُفْرِ وَالدِّينِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ اتَّغَدِلُ الدِّينَ بِالْكُفْرِ؟ قَالَ: نَعَمْ" (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۳۱۷) از کفر و بدهی به خدا پناه می‌برم، گفته شد ای رسول خدا آیا بدهی را در کنار کفر قرار می‌دهی؟ فرمود: بلی قرض گرفتن در صورت بی‌نیازی مکروه است و در صورت احتیاج، کراهت آن کاهش می‌یابد و هر چه میزان نیاز کمتر باشد به همان نسبت کراهت شدت می‌گیرد. امام خمینی^(ره) در کتاب تحریر الوسیله در همین زمینه می‌فرماید: که قرض گرفتن اگر با نیاز همراه نباشد مکروه است و هر چه بر نیاز فرد افزوده شود، از کراهت آن کاسته می‌شود و هر چه نیاز کمتر شود بر کراهت افزوده می‌شود: «یکره الاقتراض مع عدم الحاجة، وتخفف کراهته مع الحاجة، وكلما خفت الحاجة اشتدت الکراهه، وكلما اشتدت خفت إلى أن تزول.» (امام خمینی، ۱۳۷۶: ۶۵۲). البته نیاز نباید از سستی و کم کاری افراد نشئت گرفته باشد انسان باید به اندازه توان خودش تلاش نماید اگر تلاش هایش کفایت ضروریات زندگی نکرد، آن زمان می‌تواند قرض بگیرد و این نکته باعث می‌شود که افراد راههای طبیعی رفع نیاز را طی کند و زندگی با قرض را شغل خود قرار ندهد. اما در صورت نیاز جایز است و می‌تواند قرض بگیرد.

بنابراین انسان در صورت نیازمندی می‌تواند از طریق قرض گرفتن نیازهای خود را تامین کنند اما اینکه چه کسی نیازمند است، در ادامه به آن می‌پردازیم.

افرادی که مصارف زندگی خود و خانواده را نداشته باشد و یا در تامین مخارج خود خانواده ناتوان باشد، نیازمند بحساب می‌آید. در تعریف فقهی نیازمند که همان مستحقین زکات می‌باشد، نیازمند کسی است که در تامین مخارج سالیانه خود و خانواده اش ناتوان باشد (همان: ۳۵۲).

افرادی که برای کسب رزق و روزی تلاش می‌کنند اما باز در تامین مخارج زندگی خود و عیال، درمانده می‌شوند و به سختی می‌افتند، جزء نیازمندان به شمار می‌ورد باید برای تامین مایحتاج خود قرض کنند. امام کاظم^(ع) در این زمینه می‌فرماید: «من طلب

الرزق من حله فغلب فليستقرض على الله عزّ وجلّ و رسولهُ (ص) كسيكه به دنبال كسب روزی حلال برود اما در زندگی درمانده شود باید قرض كند خدا و رسولش اورا یاری خواهد كرد.

همچنین شبیه همین حدیث در منبع دیگر از امام كاظم علیه السلام با کمی تغییر آمده است: «من طلب هذالرزق من حله ليعود به على عياله ونفسه كان كالمجاهد في سبيل الله عزّ وجلّ فان غلب عليه ذالك فليستدن على الله عزّ وجلّ وعلى رسولهُ مايقوت به عياله فان مات ولم يقضه كان على الامام قضائه فان لم يقضه كان عليه وزره ان الله تعالى يقول انماالصدقات للفقراء والمساكين والعاملين عليها والموئله قلوبهم وفي الرقاب والغارمين فهو فقير مسكين مغرم» (كلینی، ۱۳۹۱: ۹۳). كسيكه به دنبال روزی حلال باشد تا خرج عيال و خودش كند مانند مجاهد راه خدا است. اما اگر كسب روزی برايش سخت شد باید قرض بگیرد و دينش برعهده خدا و رسول است به اندازه كه قوت و غذای خانواده اش را تامین كند. پس اگر از دنیا برود و دينش را اداء نكرده باشد، بر عهده امام است كه آنرا ادا كند و اگر چنین نكرد گناهش بر عهده اوست. خداوند عزو جل فرمود: صدقه مخصوص فقيران، مسكینان، كاركنان بر امر صدقه و... بدهكاران است و آن شخص فقیر و مسكين و بدهكار است.

ب) تشویق و تاکید به باز پرداخت

اطمینان به باز پرداخت قرض یکی از متغیرهای اصلی قرض الحسنه می‌باشد. كه در غیر این صورت عرضه قرض الحسنه با مشكل مواجه خواهد شد. لذا مكتب اسلام به این واقعیت در مراحل مختلف قرارداد از ابتدای قرارداد و اعطای قرض با ایجاد توثیق از طریق كتابت، شهادت و... و در مرحله باز پرداخت نیز از طریق تشویق و انذار، مانعیت دين از قصاص، تقدم دين بر ارث و... توجه نموده و شرایطی را فراهم آورده است كه احتمال عدم باز پرداخت متمایل به صفر شود. اسلام برای باز پرداخت بدهی بسیار تاکید نموده بگونه كه پیامبر اكرم (ص) بر پیکر مسلمانی كه دو دینار بدهكار بوده تا زمانی كه كسی بدهی آن را پرداخت نكرده نماز نگذارد (هادوی نیا، ۱۳۷۸: ۵۷).

۳.۱. فراهم شدن فرصت‌های شغلی برای مناطق محروم

داشتن شغل و پیدا کردن کار امروزه یکی از دغدغه‌های مهم هر فرد و به ویژه نسل جوان می‌باشد. شغل، مجموعه وظایف و فعالیت‌های است که یک انسان در مدت زمان معینی در مقابل دریافت حقوق و دستمزد انجام می‌دهد. علاوه بر وظایف و فعالیتها، اختیارات و مسئولیت‌های شغل هم باید معین باشد. یک فرد معمولاً یک شغل را با کارمندی داوطلبانه و یا شروع کسب و کار آغاز می‌کند. اما شغل‌ها خصوصاً در مناطق محروم محدودند برای همگان فرصت‌های شغلی فراهم نیست لذا می‌بینیم افرادی زیادی شغل ندارند و بیکارند و این بیکاری زمینه فقر و محرومیت را بیش از پیش فراهم می‌کند و بر شدت محرومیت می‌افزاید. بنابراین برای رفع فقر و محرومیت کارهای زیادی لازم است انجام شود که یکی از آنها ایجاد و بوجود آوردن فرصت‌های شغلی است و در این میان یکی از عواملی که سبب افزایش ایجاد فرصت‌های شغلی می‌شود، قرض‌الحسنه است با قرض الحسنه دادن می‌توان ایجاد کسب و کار نمود و فرصت‌های شغلی جدیدی به وجود آورد. با جمع آوری وجوه مردم و صرف آن برای تامین اعتبار جهت نیازهای اساسی مصرفی و تولیدی کوچک به صورت وام‌های بدون بهره یعنی بصورت قرض‌الحسنه، فرصت‌های شغلی جدیدی ایجاد خواهد شد که بخشی از افراد بیکار را تحت پوشش قرار خواهد داد. (حبییان، ۱۳۸۲: ۱۷۸). قرض‌الحسنه می‌تواند به صورت ابزاری مفیدی مورد استفاده قرار بگیرد و در واقع ابزاری مناسبی برای دولت مردان و نیز افراد جامعه برای عمل نمودن به وظیفه خود نسبت به دیگر اقشار نیازمند جامعه باشد. یعنی دولت مردان با نظارت و حمایت‌های مالی و قانونی از این نهاد می‌توانند در توفیق بیشتر آن مفید باشند و افراد جامعه نیز می‌توانند با پس انداز و مشارکت جدی در این فعالیت‌های این نهاد، به وظیفه دینی و ملی خود در فراهم آوری فرصت‌های شغلی و تامین بخشی از نیازهای ضروری نیازمندان عمل کنند.

مراجعه به متون اسلامی نشان می‌دهد که وظیفه اصلی نهاد قرض‌الحسنه توجه به ضروریات و نیازهای اساسی نیازمندان است. وجود روایاتی دال بر کراهت قرض بدون

ضرورت و رفع کراهت در حال نیاز، نشان می‌دهد که قرض الحسنه در مرحله اول باید فعالیت‌های معطوف به رفع نیازهای اساسی مردم را پوشش دهد و در مرحله بعدی و بعد استیفای آنها، برای رفع سایر حوایج و نیازها اقدام شود. البته تامین نیازهای ضروری مربوط فعالیت‌های تولیدی که سبب ایجاد اشتغال می‌شود نیز می‌تواند از موارد فعالیت‌های عمده و ضروری قرض الحسنه باشد. برخی مصادیق نیازهای اساسی مثل خوراک، پوشاک، مسکن و شغل مناسب و نظیر اینها می‌باشد که به میزان حداقل برای افراد جامعه ضروری است اگر چه کمیت و کیفیت این ضرورتها و نیازها در مکانها و زمانهای مختلف متفاوت می‌باشد. بنابر این اگر نگاه به مصادیق ضرورت و نیازهای اساسی بنماییم قطعاً یکی از آنها شغل خواهد بود که در نتیجه می‌توان از طریق قرض الحسنه فرصت‌های شغلی را برای مناطق محروم ایجاد نمود.

صندوق‌های قرض الحسنه تولیدی صندوق‌های است که هدف تشکیل آن بیشتر جهت امور تولیدی است که در جهت ایجاد اشتغال و بالا رفتن تولید اهمیت بسیار دارند. در واقع چنین ابزاری می‌تواند سبب استفاده از انگیزه‌های معنوی و اخروی در کاهش بیکاری و نیز افزایش تولید شود. این صندوق‌ها می‌تواند در جهت تامین سرمایه‌های اولیه تولید و تجارت و تامین سرمایه در گردش و هم چنین قرض دادن ابزار و وسایل تولید به تولید کننده گان نقش فعالی داشته باشد و در ایجاد و تداوم اشتغال موثر و مفید باشد. (هاوی نیا و عرب بافرانی، ۱۳۸۰: ۲۵).

۳.۲. کاهش شکاف طبقاتی

زیاد شدن فاصله طبقاتی در جامعه، بر اثر فراموشی و ازیاد بردن فقرا و ترک شدن سنت و فرایضی کمک رسانی (مثل خمس، زکات، صدقات، قرض، وقف و...) به نیازمندان یکی از عوامل فقر و بیکاری است که امروزه به شدت در کشورهای در حال توسعه و خصوصاً بعضی کشورهای اسلامی جریان دارد و سبب گسترده شدن و شدت فقر شده است. در حالی که اگر اکثریت مسلمانان سفارشات دینی و انسانی خود را عملی کنند و واجبات و مستحبات مالی خود را بپردازند، فاصله‌های طبقاتی کاهش پیدا می‌کند یا کلاً از بین می‌رود و دیگر فقر و محرومیت در جامعه ای اسلامی باقی نمی‌ماند و همگان

از رفاه و آسایشی و امکانات موجود استفاده خواهند کرد. یکی از این سفارشات دینی که سبب می‌شود فاصله‌های طبقاتی و اجتماعی کمتر شود و باعث فقرزدایی در جامعه اسلامی می‌شود، قرض الحسنه است. نقش قرض در کاهش فاصله طبقاتی طوری است که می‌تواند جریان پول را از طبقات ثروتمند به سمت و سوی طبقات فقیر و نیازمند، سوق داده و در جهت تمرکز ثروت و کاهش فواصل اجتماعی و طبقاتی و از میان بردن فقر و نیازمندی نقش فعالی را ایفا نماید.

صندوق‌های قرض الحسنه به افراد عضو امکان می‌دهد تا از پس اندازه‌های کوچک خود بصورت کارا جهت رفع نیازهای اساسی خویش بهره گیرند و طبقات کم درآمد جامعه با این روش توان استفاده بیشتری از امکانات موجود را می‌یابند با این روش فاصله بین فقیر و غنی کاهش پیدا می‌کند. ترویج قرض الحسنه و قرض الحسنه دادن که در واقع نوعی از بانکداری اسلامی است، باعث می‌شود هم بانکهای ما به سمت و سوی بانکداری اسلامی حرکت نمایند و هم شکاف‌های طبقاتی کاهش پیدا کند و هم شخص قرض دهنده از ثوابهای آخرتی بی نصیب نماند. نقطه مقابل بانکداری ربوی می‌باشد که روز به روز شکاف طبقاتی را شدت می‌بخشد و هم خسران و زیان‌های معنوی را در پی خواهد داشت. برتری قرض الحسنه بر دیگر ابزارهای فقر زدایی (مثل انفاق‌ها و مالیات‌ها) آن است که انگیزه ای کار کردن را در افراد فرونی می‌بخشد زیرا اولاً؛ قرض گیرنده ملزم به باز پرداخت است این امر در کنار اهمیت باز پرداخت قرض در فرهنگ اسلامی، انگیزه ای کار کردن را در وام گیرنده افزایش می‌دهد. ثانیاً؛ باتوجه به اینکه قرض‌الحسنه دادن بصورت داوطلبانه و با تضمین باز پرداخت صورت می‌گیرد، انگیزه ای کار در قرض دهندگان هم چنان پایدار باقی می‌ماند. (کميجانی و هادوی نیا: ۹۳).

۳.۳. شروع فرایند پیشرفت در مناطق محروم

معمولاً دولتها برای اهداف مختلف اقتصادی مانند رشد، توسعه، فقر زدایی کاهش نابرابریهای اقتصادی و... راهبردهای متفاوتی را متناسب با ارزشهای ملی و فرهنگی خود بر می‌گزینند بنابر این در کشورهای اسلامی نیز یکی از راهبردها برای رشد و پیشرفت که مطابق با ارزشهای دینی و ملی آن جامعه است قرض الحسنه می‌باشد. به عبارت دیگر

یکی از ابزار پیشرفت اقتصادی در یک جامعه اسلامی می‌تواند قرض الحسنه باشد با قرض الحسنه دادن می‌توان مسیر پیشرفت و ترقی را در یک منطقه محروم هموار نمود چون قرض الحسنه انگیزه کسب و کار را افزایش می‌دهد و فرصتهای جدیدی برای منطقه محروم به وجود می‌آورد باجمع آوری وجوه راكد مردم بصورت قرض الحسنه و صرف آن برای تامین اعتبار جهت نیازهای اساسی و زیربنای مثل ساخت درمانگاه، بیمارستان، دانشگاه و... می‌توان به فرایند توسعه و پیشرفت محله‌های فقیر نشین سرعت بخشید. گرچه این گونه طرح‌ها به سرمایه‌های کلان نیاز دارند که معمولاً از توان مردم و بخش‌های خصوصی کوچک و نهاد مثل قرض الحسنه و... برنمی‌آید اما چون در ماهیت قرض الحسنه نوعی تعاون و یاری نهفته است لذا نهاد قرض الحسنه هم می‌تواند با بهره گیری از انگیزه تعاون مردم درحد خود به یاری این طرح‌ها بشتابد. هم‌چنین با جریان افتادن وجوه راكد به وسیله قرض دادن سبب افزایش تقاضای کل و تولید کل می‌شود (هادوی نیا، ۱۳۷۸: ۱۲۹) و افزایش تقاضا موجب افزایش تولید و در نتیجه موجب پدید آمدن شغل‌های جدید و فرصتهای جدید و اشتغالی خواهد شد.

بنابراین از طریق قرض الحسنه دادن و تشویق مردم به آن می‌توان نیازهای اساسی را مردم را تامین نمود و فرصتهای جدید شغلی ایجاد نمود و با ایجاد شغل و افزایش اشتغال، درآمدها نیز افزایش می‌یابد و با افزایش درآمد و افزایش تقاضای کل، زمینه توسعه و پیشرفت فراهم خواهد شد.

۳.۴. افزایش بهره‌وری نیروی انسانی و عوامل تولید موجود در مناطق محروم

قرض الحسنه به عنوان یکی از منابع توسعه و پیشرفت می‌باشد که یکی از آثار و کارکردهای آن در مناطق محروم می‌تواند کمک به افزایش بهره‌وری نیروی انسانی و عوامل تولید و یا ایجاد واحدهای تولیدی باشد. گرچه قرض الحسنه بیشتر برای تامین نیازهای ضروری نیازمندان است (که از صدقات و سایر انفاقات استفاده نمی‌کنند) اما اگر سطح نیازمندیها را دریک منطقه محروم در نظر بگیریم، کمبود نیروهای متخصص، قدیمی و فرسوده بودن ابزار و سایل تولید و یا نبود بنگاهای تولیدی هم یکی از آن نیازمندیها بحساب می‌آید. در نتیجه می‌توان از طریق وجوه قرض الحسنه برای ایجاد بنگاه‌های

تولیدی یا بالابردن افزایش، بهره وری، کیفیت و سطح تولیدات موجود استفاده نمود. راهی دیگر برای افزایش بهره وری عوامل تولید، قرض دادن ابزار تولید است که به علت کمبود ابزار تولید در مناطق فقیر بسیار سود مند می باشد و بیکاران زیادی را مشغول کار نماید. بنابراین وجود انگیزه تعاون و همکاری می تواند قرض الحسنه را به عنوان یک ابزار کارا و مفید در زمینه های گوناگون از جمله ایجاد فرصت های شغلی برای بیکاران و افزایش بهره وری عوامل تولید معرفی نماید (هادوی نیا، ۱۳۷۸).

افزایش بهره وری نیروهای انسانی راه ها و روش های گوناگونی دارد یکی از مهم ترین آنها از راه علم و تخصص است. تخصص عبارت است از مهارت بالای شغلی که در سایه علم و دانش و تجربه بدست می آید. نتایج تحقیق نشان میدهد که نقش تخصص در افزایش توانایی و در مزیت رقابتی شرکتها و سازمانها از چنان اهمیتی برخوردار است که بعضی آنها به عنوان یکی از پنج منبع قدرت معرفی نموده است. لذا برای فقر زدایی و توانمند شدن مناطق محروم، ترویج و تقویت دانش و مهارت، یک امر ضروری است که می توان با استفاده از نهاد قرض الحسنه کلاسهای مهارت یابی برگزار نمود و آنها را افزایش داد و تقویت نمود تا در آنجا نیروهای متخصص تربیت و آموزش داده شود.

همچنین می توان با استفاده از قرض الحسنه در زمینه های وامهای بدون بهره برای دانشجویان و کسانی که مایلند دوره های مختلف آموزشی را بگذرانند اما توان مالی آن را ندارند این افراد می توانند با استفاده و بهره مندی از وجوه قرض الحسنه دوران تحصیلات خود را بگذرانند و بعد از پایان تحصیل و یافتن شغل نسبت به باز پرداخت وجوه اقدام کنند. (هادوی نیا و عرب بافرانی، ۱۳۹۵: ۲۴).

۳.۵. افزایش رزق

در مکتب ارزشی اسلام بعضی اعمال و فعالیت های وجود دارد در عین اینکه خودش دارای ارزش است و کار مثبت بحساب می آید، یک آثار ارزشمندی را هم بدنال دارد مانند صله رحم، خوش اخلاقی، صدقه دادن، انفاق نمودن و... یکی از آنها قرض الحسنه می باشد. بعضی ها که از قرض دادن ابا می کنند تصور می کنند که بدنال قرض دادن چیزی از مال آنها کم می شود و دارایی کمتری نسبت به گذشته خواهند داشت. در حالیکه این

گونه نیست و خود قرض الحسنه دادن سبب افزایش روزی و برکت اموال می‌گردد و دست‌گیری از نیازمند موجب جلب رحمت خداوند شده و راه رسیدن به رزق و روزی فراوان را فراهم می‌نماید. لذا خداوند در قرآن کریم در مورد قرض الحسنه می‌فرماید: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً» (بقره: ۲۴۵) کیست که خدا را قرض الحسنه دهد تا خدا بر او به چندین برابر بیفزاید. چنانچه روایتی از امام صادق علیه السلام نیز در این زمینه آمده است که حضرت می‌فرماید: «لا تمانعوا قرض الخمير والخبز واقتباس النار فانه يجلب الرزق على اهل البيت مع مافيه من المكارم الاخلاق»؛ از قرض دادن خمیر و نان و وسایل روشن کردن آتش به یکدیگر خود داری نکنید، زیرا در این کار برای اهل خانه جلب روزی می‌کند و نیز جزء مکارم اخلاق است. (نراقی، ۱۶۴: ۱۳۹۴).

راهکارهای ترویج قرض الحسنه برای کاهش فقر

۱- راهکارهای فرهنگی

برای اینکه سنت قرض دادن و قرض الحسنه در یک جامعه ای شکل بگیرد، اولین گام برای شروع این کار، فرهنگ سازی و کار فرهنگی در این زمینه می‌باشد تا فرهنگ قرض الحسنه دادن در جامعه نهادینه شود و مردم با آگاهی و اشتیاق بسوی آن حرکت نمایند. متأسفانه علی‌رغم تأکیدات دین مبین اسلام بر سنت نیکوی قرض دادن و ترویج آن در جامعه، هنوز مساله قرض الحسنه در بین مردم و مسئولان به شکل مطلوبی جانيفتاده و مردم از اثرات آن اطلاع دقیقی ندارند. لذا لازم است ابتدا سنت قرض دادن و اثرات و برکات مادی و معنوی آن برای مردم تبیین شود. تا جامعه با آگاهی بهتر این سنت را پذیرا شود.

ذکر این نکته ضروری است که مساله توسعه و گسترش یک فرهنگ و احیای آن یک فرایند آنی نیست که به زودترین زمان اتفاق بیفتد بلکه یک روند طولانی و تدریجی است که باید با برنامه ریزی و استمرار و تداوم همراه باشد. در غیر این صورت به نتیجه ای مطلوب نخواهد رسید.

۱-۱. معرفی جایگاه واقعی قرض الحسنه

گرچه قرض و قرض الحسنه سابقه ای طولانی در دین اسلام دارد و نسبت به آن

سفارش‌ها و تاکیدهای فراوانی شده است حتی قبل از اسلام نیز مساله قرض وجود داشته است، اما هنوز جایگاه اصلی قرض الحسنه بین مردم آنچنان شناخته شده نیست. اکثریت مردم اطلاعات درستی از تعریف و جایگاه قرض الحسنه ندارند. شناخت مردم از قرض و قرض الحسنه، یک شناخت ناقص و ناکافی می‌باشد که نیاز به تکمیل و بروز رسانی دارند. در یک نظر سنجی صورت گرفته مشخص گردیده است که مردم تعریف یکسانی از قرض الحسنه ندارند. بخش زیادی از مردم قرض الحسنه را پولی می‌دانند که بدون سود و بهره قرض داده می‌شود و عده ای مطلق قرض دادن را قرض الحسنه می‌دانند و عده ای هم قرض الحسنه را هرنوع کمک به نیازمندان می‌دانند. حتی بعضیها سپرده گذاری در بانک را و نمونه از این قبیل را قرض الحسنه گفته اند.

البته این نظر سنجی بیشتر روی مفهوم و تعریف قرض الحسنه بوده است و اما در مورد آثار و پیامدها، دست آوردها و جایگاه اصلی قرض الحسنه پیدا است که کار چندانی صورت نگرفته است و لذا اطلاعات مردم در موارد حتما کمتر از آن چیزی است که در تعریف قرض الحسنه دارند. آشنایی درست مردم مسلمان با سنت قرض الحسنه و شناخت جایگاه و آثار و دست آوردهای آن، سبب می‌شود که نوع نگاه و عمل آنان نسبت به قرض و قرض الحسنه متفاوت شود و با یک نگاه بهتر و با شوق و رغبت آن را دنبال کنند.

۲-۱. بیان پاداش‌ها و آثار قرض الحسنه

قرض الحسنه یک عمل نیکویی است که علاوه بر اینکه خودش یک کار ارزشمند است، دارای آثار و پاداشهای زیادی می‌باشد. این کار از ثمره و نتایج معنوی و مادی قابل توجهی برخوردار می‌باشد که این ثمره هم به عامل این کار برگردد و هم سایرین از آن منتفع می‌گردد. می‌توان این عمل نیک را به درخت میوه ای تشبیه کرد که در ابتدا با غرس یک نهال یک کار نیکی انجام می‌گیرد و بعد از مدتی هم غرس کننده درخت و هم سایر مردم از میوه‌های این درخت استفاده می‌کنند. کسیکه به بندگان خدا قرض می‌دهد، غیر از پاداشی که خداوند به نفس این کار می‌دهد، پاداشی و آثاری دیگری نیز دارد که به مرور زمان عائد قرض دهندگان می‌شود. در روایتی آمده است: از زمان قرض دادن تا

زمانیکه بدهکار آنرا ادا کند، مال قرض همواره در حال رشد و نمو و پاکی است و خود قرض دهنده مورد صلوات و درود ملائکه می‌باشد (صدوق، ۱۴۰۶: ۱۶۸).

۳-۱. تقویت انگیزه‌های معنوی مردم

انگیزه یکی از اصلی‌ترین دلایل انجام کارها است. در واقع آنچه ما را به کار و فعالیت وا می‌دارد، همان وجود انگیزه است. ما برای زندگی کردن، حرکت کردن، جلو رفتن و پیشرفت نمودن، نیاز به انگیزه داریم. لذا یکی از موثرترین راه‌ها برای ترویج قرض الحسنه در جامعه، بالابردن و تقویت نمودن انگیزه‌های معنوی مردم می‌باشد. وعده‌های الهی داده شده برای قرض دهندگان و آثار معنوی و مادی آن برای مردم تبیین شود. بیان اینگونه آثار و برکات معنوی انگیزه مردم را به قرض دادن و انجام کارهای خیر دیگر، بالا می‌برد. علاوه براین از تجربیات مفید و رضایت بخش افرادی خیر که در این مسیر قراردارند استفاده نمود و خاطرات زیبا و شیرین آنان را به اطلاع مردم رساند. چنانچه مردم از رضایت قلبی کسانی که در این امور شرکت کرده و روز به روز علاوه بر رضای قلبی از حیث مادی نیز برکات الهی درک می‌نمایند، مطلع گردیده و از نزدیک در جریان موفقیت‌های آنان قرار می‌گیرند، در این صورت تمایل آنان برای شرکت در چنین اموری چه به صورت فردی و چه بصورت مشارکت در مراکز خیریه یا صندوق‌های قرض الحسنه، بیشتر خواهد بود (بیک محمدی، ۱۳۹۱: ۲۰۹).

۴-۱. آموزش و تبلیغ فرهنگ قرض الحسنه

برای بالا بردن سطح آگاهی مردم از قرض الحسنه و ترویج بیشتر آن در جامعه، بایسته است فرهنگ قرض الحسنه دادن و آثار و پیامدهای آن برای افشار مختلف جامعه و در سنین مختلف آموزش داده شود. به ویژه در مدارس برای کودکان، نوجوانان و خصوصاً آموزش برای خانواده‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هم چنین برای ترویج بهتر قرض الحسنه در جامعه نیاز است که کارهای تبلیغی و تحقیقی صورت گیرد؛ مثلاً انجام تحقیقات کاربردی و نوشتن مقالات و چاپ کتب و مجلات در این زمینه، هم چنین تبلیغ و تبیین قرض حسن از طریق رسانه‌های صوتی و تصویری و فضاهای مجازی آگاهی‌های مردم را نسبت به قرض حسن افزایش دهند.

۲- راهکارهای عملی

۲-۱. ایجاد صندوق خانوادگی و تامین نیازهای ضروری

یکی از مسیرهای زود بازده جهت رفع ضرورت و تامین نیازهای جزئی، تاسیس صندوقهای قرض الحسنه خانوادگی است. منظور از خانواده یک خانواده اصطلاحی کوچک که فقط شامل پدر و مادر و فرزندان است نمی‌باشد بلکه منظور یک مجموعه نسبتاً بزرگی که باهم دیگر فامیل‌اند و در یک ده یا روستا یا محله ای زندگی می‌کنند. دریافت وام از بانک و یا از موسسات مالی با توجه به شرایط سختی که دارد و لیست طولانی از مدارک مختلف مانند فیش حقوقی، کپی شناسنامه و...، انواع ضمانت نامه‌ها و کارمزدهای زیاد برای بسیاری از افراد ناشدنی و یا ناخوشایند است. به همین دلیل بسیاری از افراد به تشکیل صندوق قرض الحسنه خانوادگی روی آورده‌اند. یک صندوق قرض الحسنه خانوادگی می‌تواند در بسیاری از مواقع از مراجعه به بانک و موسسات مالی برای دریافت یک وام برای رفع ضرورت‌های جزئی بی‌نیاز کند.

اما در کنار آن افزایش روحیه همکاری و همیاری و فراهم کردن امکان پس‌اندازهای کوچک و تبدیل به یک سرمایه متوسط هم کارکردهای دیگری است که سبب می‌شود یک صندوق خانوادگی توجیه‌پذیر باشد.

یکی از ویژگی‌های عمده قرض الحسنه قابلیت همگانی بودن و اجرایی بودن آن در تمامی جمع‌های کوچک خانواده‌ها است.

مزیت‌های تشکیل صندوق قرض الحسنه خانوادگی

تشکیل صندوق‌های قرض الحسنه فواید زیادی را به همراه دارد. در ادامه سعی شده است تا به مهم‌ترین این مزیت‌ها اشاره شود:

الف) پررنگ‌تر شدن تعاملات اعضا

تشکیل صندوق قرض الحسنه خانگی مزایای زیادی را در پی دارد. اعضای این صندوق از بین گروه‌های خانوادگی، دوستان، همکاران و یا سایر افرادی که آشنایی با یکدیگر دارند تشکیل می‌شود. با این کار روابط بین افراد تحکیم می‌شود و تعاملات بیشتری بین آن‌ها صورت می‌پذیرد.

ب) پرداخت بدون بهره

همان طور که از نام این صندوق‌ها مشخص است هدف تشکیل آن‌ها رواج سنت قرض الحسنه است که در اسلام تاکید ویژه‌ای بر آن شده است. صندوق‌های قرض الحسنه بدون پرداخت بهره با هدف کمک رسانی به افراد با وضعیت مالی ضعیف تشکیل می‌شوند.

ج) دسترسی در وضعیت اضطراری

از آن جایی که اعضای این صندوق‌ها با یکدیگر روابط دوستانه و نزدیکی دارند در شرایطی که یکی از اعضا تحت فشار مالی باشد به کمک او می‌شتابند و وام صندوق را در اختیار او قرار می‌دهند. به همین دلیل این صندوق‌ها به عنوان پشتیبانی مالی مطمئن در شرایط دشوار محسوب می‌شوند.

۲-۲. فقر زدایی از طریق ایجاد صندوقهای محلی

مردم می‌توانند برای ایجاد تسهیلات بیشتر به مناطق محروم و حذف بروکراسی‌های دشوار اداری صندوق قرض الحسنه در خود محل ایجاد نماید که خود مردم محل متولی آن باشند تا به ساکنان آن مناطق بدون وجود موانعی وام‌های ضروری اعطا شود و مدیریت این صندوق نیز برعهده مردم فقیر نشین و معتمدین آنها باشد تا از طریق آنها افراد نیازمند شناسایی شده و بتوانند بدون واسطه وام مورد نیاز را دریافت کنند. البته هریک از اعضای صندوق و مردم این محل به صورت ماهیانه یا سالیانه مبلغی در این صندوق ذخیره می‌کنند و دو برابر آن مبلغ به روستاییان وام قرض الحسنه اختصاص می‌یابد. با تشکیل آن پایگاه اقتصادی خوبی در محل فقیر نشین ایجاد می‌شود که می‌تواند نیازهای مالی زیادی از این محله را فراهم نماید و دولت هم می‌تواند این صندوق را کمک کند تا این پایگاه اقتصادی بیش از پیش تقویت و مستحکم شود.

۲-۳. تاسیس صندوقهای قرض الحسنه ویژه مناطق محروم در بانکهای دولتی

دولت اسلامی می‌تواند با ایجاد صندوق‌های قرض الحسنه ویژه مناطق محروم و با هدایت، نظارت و حمایت‌های مالی خود از این نهاد نقش به سزایی در فقر زدایی و کمک به نیازمندان و توسعه ای مناطق محروم داشته باشد. دولت می‌تواند مردم را تشویق به

سپرده‌گذاری در این صندوق‌ها نموده و از طریق همین سپرده‌های صندوق قرض الحسنه به مردم محروم تسهیلات بدهد و نیازهای آنها را تامین نماید.

قرض الحسنه نهادی است که (آنچه از متون اسلامی بدست می‌آید) وظیفه اصلی آن تامین نیازهای اساسی و ضروری مردم می‌باشد و پس از تامین شدن ضروریات و نیازهای اساسی برای سایر نیازها استفاده خواهد شد. البته تامین اعتبار نیازهای ضروری مربوط به فعالیتهای تولیدی خرد برای ایجاد اشتغال نیز می‌تواند از موارد عمده فعالیتهای قرض الحسنه باشد. چون قرض الحسنه در صورت توان باز پرداخت در اختیار متقاضی قرار می‌گیرد و اگر کسی منبعی برای توان باز پرداخت را نداشته باشد، عملاً نمی‌تواند از قرض الحسنه استفاده نماید و در این صورت دولت اسلامی و سایر متولیان امر، موظف‌اند از روشهای دیگر مانند زکات و صدقات و سایر اتفاقات به نیازهای آنها رسیدگی کنند.

نتیجه‌گیری

شناخت ابعاد مختلف محرومیت در هر جامعه نشان دهنده محروم بودن یا توانمندی اقتصادی آن مردم هست و شاخص‌های اصلی عقب ماندگی و پیشرفت می‌باشد که اموری مانند: کمبود غذا یا تغذیه، پوشاک، مسکن، وسایل رفاهی، بهداشتی و تحصیلی را دربر می‌گیرد. مناطق محروم جای است که این ویژگی‌ها را داشته باشد: گرسنگی، سوء تغذیه، بی‌پولی، بیکاری، عدم دسترسی به آموزش و مراقبتهای بهداشتی و عوامل دیگری مثل وجود تبعیض، نابرابریهای اجتماعی و نبود حداقل امکانات لازم برای ادامه زندگی.

اسلام اهمیت ویژه‌ای را برای فقرزدایی قایل است. اسلام با همه نا هنجاریها، کجرویها و کاستیها از جمله با فقر مبارزه نموده است و راه حل‌های زیادی را برای فقرزدایی از مناطق محروم ارائه نموده است که از جمله این راه‌ها استفاده سنت قرض الحسنه می‌باشد. قرض الحسنه در اقتصاد اسلامی جایگاه بلندی دارد که علاوه بر پاداش اخروی، کسب اخلاق پسندیده و نوع دوستی، دارای آثار اقتصادی نیز می‌باشد. قرض الحسنه یکی از سنت‌های نیکوی الهی است که عمل به آن بسیاری از مشکلات اقتصادی

و اجتماعی را را بر طرف ساخته و از یک طرف باعث رشد اقتصادی می‌گردد و از طرف دیگر سبب رشد و تعالی فضایل اخلاقی عاملان آن می‌گردد.

برای ترویج و استفاده از قرض الحسنه راه کارهای متفاوتی وجود دارد اولین راهکار راهکارهای فرهنگی است مثل: معرفی و بیان جایگاه واقعی قرض الحسنه در اسلام، بیان پاداش ها، ثوابها و آثار اقتصادی مترتب بر قرض الحسنه، تقویت انگیزه ای معنوی مردم و آموزش و تبلیغ فرهنگ اصیل قرض الحسنه. راهکار دیگر برای استفاده از قرض جهت کاهش فقر در مناطق محروم، ایجاد و تشکیل صندوقهای قرض الحسنه خانوادگی، ایجاد صندوقهای قرض الحسنه محلی و تاسیس صندوقهای قرض الحسنه ویژه فقرا و محرومین در بانکهای دولتی است که دولت اسلامی می‌تواند با نظارت، تشویق و حمایت مالی خود از این نهاد قرض الحسنه، نقش به سزایی در فقر زدایی و کمک به نیازمندان و توسعه ای مناطق محروم داشته باشد.

فهرست منابع

❖ قرآن کریم

۱. ابراهیمی، محمدحسین (۱۳۷۲)، ربا و قرض در اسلام، چ ۱، انتشارات متین، قم.
۲. ابراهیمی، محمدحسین (۱۳۷۵)، فلسفه و آثار اجتماعی قرض الحسنه، چ ۳، انتشارات متین، قم.
۳. ابطحی، سیدحسین و کاظمی، بابک (۱۳۷۸)، بهره وری، چ ۲، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، تهران.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲)، الخصال، چ ۱، جامعه مدرسین، قم.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۶)، علل الشرائع، چ ۶، ترجمه: مسترحمی، کتاب فروشی مصطفوی- تهران.
۶. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴)، تحف العقول، چ ۲، جامعه مدرسین - قم.
۷. ابن فهد حلی، احمد بن محمد (۱۴۰۷)، عدّه الداعی و نجاح الساعی، چ ۱، دار الکتب الإسلامی.
۸. احمداسعد، محمودالحاج (۱۴۲۸ق)، نظریه القرض فی الفقه الاسلامی، دارالفنائس، الطبعة الاولى، عمان.
۹. آراسته خو، محمد (۱۳۸۶)، وامداری غرب نسبت به شرق به ویژه اسلام و ایران، چ ۲، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران.
۱۰. آریان پور کاشانی، منوچهر (۱۳۸۰)، فرهنگ پیشرو آریانپور، چ ۱، نشر الکترونیکی و اطلاع رسانی جهان رایانه، تهران.
۱۱. امامی، آرام، کاووس، محمدرضا (۱۳۹۵)، سیاست‌های فقرزدایی با محوریت تکافل اجتماع، دانش سیاسی، ش ۲۴.
۱۲. بابایی، فاطمه (۱۳۸۰)، تعدیل ساختاری فقر و ناهنجاریهای اجتماعی، چ ۱، انتشارات کویر، تهران.
۱۳. برهانی، حمید، رضا، شباهنگ (۱۳۷۷)، سنجش کارایی در بانکهای ایران و ارتباط آن با ابعاد سازمانی و مالی، نشریه بانک و اقتصاد، ش ۱۰.

۱۴. بیک محمدی، جواد (۱۳۹۱)، قرض و قرض الحسنه و جایگاه آن در قرآن و حدیث و فرهنگ جاری جامعه، چ ۱، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران.
۱۵. پاول مارک هنری (۱۳۷۴)، فقر، پیشرفت و توسعه، ترجمه مسعود محمدی، چ ۱، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران.
۱۶. پوست فروش تهرانی، ایمان (۱۳۸۷)، برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه در بسترسیاسی، مجلس و راهبرد، ش ۵۹.
۱۷. پویان، مرتضی (۱۳۹۳)، پژوهشی درباب قرض الحسنه در اسلام، چ ۱، شرکت چاپ و نشر بین الملل، قم.
۱۸. جان ام، هابسون (۱۳۸۷)، ریشه‌های شرقی تمدن غرب، چ ۱، ترجمه: مسعود رجبی و موسی عنبری، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۱۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵)، تفسیر تسنیم، ج ۱۱، چ ۱، انتشارات اسراء، قم.
۲۰. جوهری، اسماعیل ابن حماد (۱۴۲۸)، الصحاح، چ ۲، دارالمعرفه، بیروت.
۲۱. جوهری، محمد صالح، الگوهای قرض الحسنه و شیوه‌های آن از منظر فقه اهل البيت (ع)، جامعه المصطفی العالمیه
۲۲. چرنیکف (۱۳۶۱)، بحران سرمایه‌داری و وضع زحمت کشان، ترجمه: مرتضی راستی، چ ۱، ابوریحان، تهران.
۲۳. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۶۹)، تجارت و انتقال تکنولوژی به کشورهای جهان سوم، ماهنامه پاسدار اسلام، ش ۱۰۷.
۲۴. حبیبیان نقیبی، مجید (۱۳۸۱)، قرض الحسنه و راهبردهای توسعه اقتصادی، نامه مفید، ش ۳۱.
۲۵. حبیبیان نقیبی، مجید (۱۳۸۲)، قرض الحسنه و راهبردهای توسعه اقتصادی، چ ۱، معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، تهران.
۲۶. حسینی، نعمت الله (۱۳۸۲)، فواید کار و مفاسد بیکاری، چ ۱، نشر عصر انقلاب، قم.
۲۷. حسینی، قنبر علی (۱۳۹۲)، راهکار تجهیز منابع در بانک قرض الحسنه (پایان نامه ارشد)، جامعه المصطفی العالمیه، قم.

۲۸. حق شناس، سیدعلی و همکاران (۱۳۹۸)، نقش فقر در تهدیدات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، رهیافت انقلاب اسلامی، ش ۴۷.
۲۹. حقانی، حسین (۱۳۸۷)، قرض الحسنه از نظر اخبار، درسهای از مکتب اسلام، شماره ۳.
۳۰. حکیمی، محمدرضا و همکاران (۱۳۸۰)، الحیاء، ترجمه: احمد آرام، چ ۱، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
۳۱. خمینی، روح الله (۱۳۷۴)، رساله نوین، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ ۱، قم.
۳۲. خمینی، روح الله (۱۳۷۹)، تحریرالوسیله، دارالعلم موسسه نشر اسلامی، چ ۲۴، قم.
۳۳. دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۶)، لغت نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۱، تهران.
۳۴. راسخ، علی احمد و دیگران (۱۳۸۰)، پدیده شناسی فقر و توسعه، چ ۱، بوستان کتاب، چ ۱، قم.
۳۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۰۴)، المفردات فی غریب القرآن، نشرالکتاب، چ ۲، قم.
۳۶. رضوی، جلال (۱۳۸۵)، قرض الحسنه و ربا، انتشارات سوم شعبان، چ ۲، قم.
۳۷. زاهدی مازندرانی، محمدجواد، فقر روستایی، روند و اندازه گیری آن در ایران، رفاه اجتماعی، س ۴، ش ۱۷.
۳۸. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چ ۱، قم.
۳۹. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۶)، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، دار الشریف الرضی للنشر، چ ۲، قم.
۴۰. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۸)، تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۲۸، قم.
۴۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۵)، تفسیر مجمع البیان، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، الطبعة الاولى، بیروت.
۴۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، چ ۴، تهران.
۴۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶)، حقوق مدنی، انتشارات گنج دانش، چ ۱، تهران.

۴۴. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳)، بحار الأنوار، دار إحياء التراث العربی، چ ۲، بیروت.
۴۵. مدنی قهفرخی، سعید (۱۳۹۴)، ضرورت مبارزه با پدیده فقر و نابرابری در ایران، انتشارات آگاه، چ ۱، تهران.
۴۶. معین، محمد (۱۳۸۲)، فرهنگ معین، انتشارات سپهر، چ ۲۰، تهران.
۴۷. هادوی نیا، علی اصغر، قرض الحسنه و آثار اقتصادی آن، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، چ ۱، قم.
۴۸. هادوی نیا، علی اصغر؛ عرب بافرانی، بهنام (۱۳۹۵)، بررسی مزایا و آثار اجتماعی و اقتصادی اوراق قرض الحسنه، نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی، ش ۱۶.